

بودن یا نبودن

قسمت (۳)



گروه رستاخ: چقدر زود دیر می شود! یادمان هست که بخش نخست یادداشت را در باره اهمیت حضور فرهنگ و هنر در جامعه و بخش دومش را به معاش یک موزیسین بومی اختصاص دادیم. تا گفتند حالا می توانید بار عایت ضوابط بهداشتی به روزمرگی های عادی زندگی بازگردید، بارقه های شادی و امید از دست و زبان و چشمان مان هویدا شد. در کشور ما نیز خوشبختانه آداب و رسوم ریشه دار و حساسی کم نداریم. از نوروز بگیریم که در روزهای نخست بهار، زایش و تولد دوباره زمین را جشن می گیریم تا سوسوشون که خبر از شیون های پرسوز در سوگ سیاوش می دهد. طی مراحل بر گزار می آین همن آیین هاست که افرادی برای مهمانان غذایی طبخ می کنند یا لباسی مهیا می سازند یا موسیقی شادی بخش یا حزن انگیزی به فراخور مراسم شان می نوازند. به زبان ساده می شود گفت عده ای پول خرج می کنند تا مراسم برپا سازند و عده ای پولی می ستانند تا کاری را برای مراسم به انجام برسانند. در زمانی نه چندان دور، همین جشن ها با نقش پررنگی که در زندگی مردم داشتند، باعث ایجاد فرصت های شغلی زیادی هم برای هنرمندان می شدند. نوازگان بومی را به یاد داریم که اگر مشتاق حضور و هنر نمای آنها در جشن هایمان بودیم، چه بسا باید وقت و نوبت قبلی می گرفتیم؛ نجاری را داشتیم که با نگاه به بازار پر رونق موسیقی، به سمت تولید ساز می رفتند. ساز که می آمد، ناخودآگاه فرهنگ و هنر را هم با خود می آورد. پای اشتیاق به آموختن را نیز به خانه هایمان می کرد و این یعنی استادی برای آموزش و شاگردی برای ادامه راه استاد. به بیان دیگر می توان گفت همه این مثال ها، تحت عنوان «چرخه اقتصادی هنر و فرهنگ» خلاصه می شود. اما در این بخش مهم ترین شاخص های موثر در مسیر دستیابی به این مهم را برمی شماریم؛

۱- هنرمند:

هرچه می اندیشیم تا اشاره ای به وظایف هنرمندان اصل و درجه یک جامعه کنیم، می بینیم الحق و انصاف اینتا باید دست مریزاد گفت به اراده و همت شان که باوجود محدودیت ها و دشواری های این مسیر، همچنان در راه حفظ و اشاعه فرهنگ و هنر این جامعه ثابت قدم مانده اند. اما مسئله بسیار مهمی در اینجا مطرح می شود که اگر قرار است همچنان به راهمان ادامه دهیم، باید پیش از هر اقدامی خودمان را نقد کنیم، باید وظایف خودمان را در جامعه بشناسیم و مرور کنیم. در این صورت سوال مهمی برای مان ایجاد می شود: اصلا وظایف ما به عنوان یک موزیسین بومی چیست؟ پیش از طرح هر بحثی باید به این نکته اشراف داشته باشیم که مهم ترین وظیفه ما معرفی هنر (در این زمینه مقصودمان از هنر، شاخه موسیقی است) به جامعه، با هدف زایش اندیشه است. سپس باید دست به کار شویم تا حضور مان باعث تقویت آیین ها و سنت های صحیح جامعه شود؛ یعنی خوراک هنری خوبی را برای جامعه تامین کنیم تا دستاورد مقبول و مطلوبی را به داشته هایمان بیفزاییم.

۲- سند یگاهای هنری:

در بسیاری از کشورهایی که در زمینه فرهنگ و هنر کارنامه قابل قبولی دارند، ایجاد و تقویت سند یگاهای فرهنگی و هنری یکی از عوامل مهم دستیابی این جامع به موفقیت در این حوزه است. ما نیز می توانیم با قدرت بخشیدن به اتحاد بهای صنفی هنرمندان و نظارت بر عملکرد آنها، روزه های امیدری را در فراسوی نگاه هنر و هنرمند ایرانی ایجاد کنیم.

۳- مردم:

هنر متاعی نیست که فقط در محافل بیرون از خانه بخواهیم آن را جست و جو کنیم. پدران و مادران می توانند با نگاهی هوشمندانه و تشخیص درست، پایگاه فرهنگی مطلوب و کارآمدی را در خانه پیاده سازی کنند تا کالای فرهنگی سالم و مناسبی را برای استفاده فرزندان خود فراهم کنند.

۴- آموزشگاه های موسیقی:

خوشبختانه از نظر کمی و واحدی کیفی، آموزشگاه های موسیقی در ایران از جایگاه نسبتا خوبی برخوردار هستند، اما باید توجه داشت که شاخه های مهم و بالقوه دیگری هم داریم که جایش در فهرست آموزشی موسسات و آموزشگاه های کشورمان خالی است.

موسیقی بومی ایران که نوابش در محافل آموزشی موسیقی ایران خالی مانده، یکی از چندین مورد مغفول مانده در حوزه فراگیری موسیقی است.

۵- مدارس و دانشگاه ها:

به سادگی می توانیم موسیقی را به عنوان درسی اختیاری، برای همه رشته ها و مقاطع مختلف تحصیلی آموزش و پرورش کشور تعریف کنیم. اشکال این کار کجاست که این هنر اصل در ایران (موسیقی) که ریشه در ارزش ها و باورهای مردمان این مروز و مزم دارد، در محیط آموزشی نیز بالنده و زاینده باشد؟

۶- رسانه:

بانگاهی هر چند گذر یا اطراف خود به خوبی درمی یابیم که نقش رسانه های جمعی در ارتقای منزلت و جایگاه هنر غیر قابل انکار و تعیین کننده است؛ بنابراین پرواض است که فلسفه وجودی رسانه در انتقال موثر و سازنده هنر و فرهنگ در جامع بشری بسیار قابل تامل است و اهالی فرهنگ و هنر نیز می توانند از این ظرفیت در جهت تقویت فضای هنردوستی و هنرورزی استفاده کنند. مسائلی که مطرح کردیم همگی می تواند در قالب پیشنهاداتی باشد از نگاه یک گروه موسیقی، با پیشینه نه چندان کوتاه (که بسیاری از نکات مطرح شده را تجربه کرده) برای مسئولان و متولیان فرهنگی کشور عزیزمان ایران. ما و همه دست اندر کاران هنر، همواره دغدغه فرهنگ ایران زمین را داشته ایم و زین پس نیز خواهیم داشت، اما برای اینکه نیروها و نهاد های مردمی بتوانند به موفقیتی در این حوزه برسند، نیاز است بر گزارانی که در مسند مدیریت فرهنگی کشور هستند نیز در رویه مدیریتی کنونی خود، اصلاح و تغییرات عاجلی ایجاد کنند؛ تغییراتی که نمود اجتماعی آن برای همه اهالی فرهنگ و هنر کشور ملموس باشد، در غیر این صورت موتور کم جان هنر و هنرمند ایرانی به حرکت در نخواهد آمد!

اقتصاد هنر

مدیرعامل مرکز گسترش سینیما مستند و تجربی ضمن اشاره به اهمیت حضور آثار مستند در جشنواره فیلم «مقاومت» تاکید کرد رویدادهای سینمایی نباید به بهانه کرونا تعطیل شوند.

محمد حمیدی مقدم، مدیرعامل مرکز گسترش سینیما مستند و تجربی در گفت وگو با مهر درباره شرایط برگزاری رویدادهای سینمایی در سال جاری تاکید کرد: نمی توان به بهانه کرونا، جشنواره های سالانه و دوسالانه فیلم را که سابقه زیادی دارند، برگزار نکرد، چراکه شیوع

قاجاق تأثیری بر اقتصاد سینمای مستند ندارد



سهیل اینانلو

editor@smtnews.ir

کرونا زمان مشخصی ندارد و معلوم نیست جوامع انسانی تا چه زمانی با آن درگیر هستند؛ بنابراین باید راهکارهای جدید پیدا کرد تا سینما از رونق نینفتد خاصه اینکه بسیاری از آثار سینما منطبق بر مقتضیات و موضوعات روز تولید می شوند. حمیدی مقدم امکان کپی آثار را یکی از مشکلات و معضلات برگزاری آنلاین جشنواره ها دانست و توضیح داد: این موضوع به معنای واقعی قابل کنترل نیست و تنها راه پیشگیری از آن، فرهنگ سازی است.

مشکلات معیشتی اساتید موسیقی نواحی ایران را بررسی کرد

سرمان رو به آسمان است!



از روزی که همه گیری ویروس کرونا در کشورمان به صورت رسمی اعلام شد، تقریبا تمامی رویدادهای هنری و ورزشی ملغی اعلام شده بود. این شرایط برای چندین ماه ادامه داشت تا اینکه پس از یک دوره کوتاه بعد از بازگشایی سالن ها و تالارهای محل برگزاری برنامه های فرهنگی و هنری، بار دیگر ستاد ملی مبارزه با کرونا خبر از تعطیلی دوباره مشاغل در مناطقی که وضعیت قرمز دارند را داد. مسئولان بهداشتی کشور بارها رویدادهایی چون مراسم عروسی و جشن های محلی و بومی را یکی از عوامل مهم شیوع گسترده کرونا در کشور بر شمرده بودند، از همین رو است که شاهد برگزاری نشدن و حتی در مواردی ممنوعیت از برگزاری نگران کننده معیشتی اساتید موسیقی نواحی ایران خبر می دهند. برخی از این مشکلات به حدی ریشه ای و جدی هستند که به نظر می رسد کرونا فقط باعث شده این مسائل در رسانه ها هم مطرح شوند، و گرنه تا توجه به عمق معضل، می توان به این نتیجه رسید که بسیاری از هنرمندان این حوزه از دیرباز تاکنون با ناملایمات جدی معیشتی دست و پنجه نرم می کنند و هیچ کس به فریادشان نمی رسد. موسیقی برای مردم سراسر ایران یک تفریح نیست، در بسیاری از روستاها و شهرستان های کشور، کودکان با ساز و آواز دوران شیرین کودکی را می گذرانند و طبعاً موسیقی در وجودشان خانه می کند. در بسیاری از نقاط کشورمان پدیده های به نام «موسیقی کار» وجود دارد که نشانگر نقش مهم و جدایی ناپذیر موسیقی در زندگی اهالی فلات ایران است. هنرمندان موسیقی نواحی ایران در طول تاریخ در بین مردم جایگاه بسیار والایی داشته و در اغلب مقاطع بسیار مورد احترام مردم بوده اند. این هنرمندان غالباً در شهرستان ها و روستاها به پیشه دیگری جز موسیقی هم اشتغال داشتند و عمده درآمدشان از حرفه دوم شان تامین می شد. اما در دنیای مدرن و پس از گذراندن دوره دولت-ملت سازی در جهان، دولت ها به فکر تکریم عناصر فرهنگی خود افتادند تا در جهت تحکیم روحیه اتحاد ملی قدم بردارند.

موزیک غربی و دهه ۷۰

مسئولان فرهنگی کشور این شده که همین تعداد انگشت شمار اساتید موسیقی نواحی ایران نیز با فقر مطلق دست و پنجه نرم کنند و نسل جوان نیز هیچ تمایلی برای ورود به این حوزه نداشته باشد.

به سبک های موزیک غربی، بیش از پیش از فرهنگ بومی و اصیل ایرانی فاصله گرفت. کار تا جایی پیش رفت که حتی نگاه نسل جوان به حوزه موسیقی نواحی چیزی جز تمسخر و استهزا نبود. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان و پژوهشگران، نتیجه این رویکرد

از اواخر دهه ۷۰ شمسی مشکل دوچندان شد. با ورود رسمی سبک های موسیقی غربی به کشورمان رویه بی تفاوتی نسبت به هنرمندان بومی نیز بیش از پیش دامن دار شد. نسل جوان هم با حمایت های مسئولان فرهنگی و جهت دهی های بخش خصوصی

هنرمندان موسیقی نواحی مهجور هستند

اقدامی در راستای حمایت از این هنرمندان انجام نشده است.

مشکل اساسی کجاست؟
این خواننده موسیقی نواحی ایران در پایان ضمن تاکید بر مسئله نبود هیچ مرجعی برای رسیدگی به امور هنرمندان



حوزه موسیقی نواحی به **فدایا** یاد آور شد: هیچ انجمن و نهاد یا مرکز و مرجعی برای موسیقی نواحی وجود ندارد که به این دست مسائل رسیدگی کند.

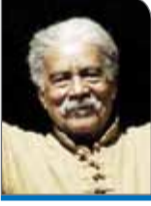
همیشه وقتی مشکلاتی اینچنینی پیش می آید خلاً این مسئله هم حس می شود اما متأسفانه پیگیری نمی شود و مشکل کماکان حل نشده باقی می ماند. البته این عدم رسیدگی هم ریشه در فراموش شدگی این حوزه دارد. همان طور که پیش تر نیز گفته شد هنرمندان موسیقی نواحی بسیار مهجور هستند و اساتید این حوزه نیز متأسفانه به همین دلیل کاملاً فراموش شده اند و مشکلات شان هم به چشم نمی آید.

اظهار کرد: آن بخش از هنرمندان نواحی که در شهرها زندگی و در آموزشگاه ها و کلاس های خصوصی فعالیت می کنند وضعیت نسبتاً بهتری دارند اما همانطور که گفته شد هنرمندانی که در روستاها زندگی می کنند با مشکلات معیشتی بسیار جدی روبرو هستند و نیاز است که هرچه سریع تر به وضعیت این عزیزان رسیدگی شود. البته تعدادشان هم زیاد نیست و حتی می توان گفت تعداد انگشت شماری از اساتید موسیقی نواحی هستند که در چنین وضعیتی بسر می برند. به نظر می رسد باتوجه به کوچک بودن جمعیت این بزرگان، رسیدگی به این اساتید هم کار سختی نباشد.

وی ادامه داد: متأسفانه این گروه نه تنها درآمدی ندارند، بلکه هیچ کمکی هم از هیچ نهاد یا ارگانی به اساتید موسیقی نواحی نمی شود. من شخصاً با چند تن از این اساتید در ارتباط هستم و جویای احوال شان می شوم اما تا جایی که در جریان هستم می دانم که

ابراهیم کهندل پور، خواننده بنام موسیقی قشقایی نیز در گفت وگویی که با **سروش** داشت، عنوان کرد: شوربختانه اگر یک نگاه کلی به جامعه موسیقی ایران داشته باشیم، می بینیم که هنرمندان موسیقی نواحی بسیار مهجور هستند و کسی سراسری از این گروه از هنرمندان بومی نمی گیرد. با آمدن ویروس کرونا و محدودیت هایی که جامعه درگیرش شده نیز اوضاع برای همه هنرمندان بسیار سخت تر از قبل شده، اما هنرمندان موسیقی نواحی بسیار بیشتر از دیگران لطمه موردی قشقایی به **سروش**

گفت: بخشی از هنرمندان که در روستاها زندگی می کنند و فقط از راه شرکت در مراسمات مختلف زندگی می گذرانند، با فشار بسیار زیادی مواجهند و چندین ماه است که دچار مشکلات بسیار زیادی برای تامین مایحتاج زندگی معمولی خود شده اند. **اساتید ساکن روستاها در باید** کهندل با اشاره به شرایط سخت اساتید موسیقی نواحی که ساکن روستاها هستند،



خالو قنبر راستگو از اساتید موسیقی نواحی جنوب کشورمان در گفت وگویی که با خبرنگار **سروش** داشت شرایط معیشتی هنرمندان بومی و محلی گله کرد و با یادآوری محدودیت هایی که ویروس کرونا برای اهالی موسیقی نواحی ایجاد کرده، گفت: سراسر دنیا گرفتار شده خالو جان، ما هم مثل بقیه دنیا! شکر خدا صحیح و سالم هستیم و این مرض کرونا دامن ما را ننگرفته. این استاد موسیقی نواحی ایران در ادامه توضیح داد: عروسی ها و مراسم های پی ما می فرسازند هم که تعطیل شده و ما خیلی دستمان خالی است، بقیه هم مثل ما گرفتار هستند. از بیمه هم خبری نشده؛ گفته بودند کمک می کنند اما تا به حال که خبری نیست. از چند جای دیگر هم زنگ زدند و گفتند خالو به خانه ات می آیم تا به مشکلات رسیدگی کنیم، اما اگر شما دیدی ما هم دیدیم! البته چند وقت پیش ارشاد کمک کرد اما از بقیه هیچ خبری نشنیدیم و هیچ کس سراغمان را نگر گرفته.

زیر صفریم!

وی ادامه داد: مشکلاتم زیاد است، نمی توانم همه را بگویم، اما همین را بدان که زیر صفر هستیم. بدبختانه کسانی هم که باید به فکر باشند سرشان رو به آسمان خداس! کسی هم به فکر هنرندجماعت نیست!

استاد **راستگو** در پایان شرایط معیشتی سایر هنرمندان نواحی را نیز نامناسب خواند و به **سروش** گفت: هر کسسی را که می شناسم گرفتار است. هر هنرمندی که در این حوالی می شناختم الان مشکل دارد و وضع مالی خوبی ندارد. شما در روزنامه بنویسید تا شاید به فکر هنرمند ما افتادند.

نسبت به اساتید نواحی بی تفاوت هستیم!

می شود و هیچ کس هم برایش اهمیت ندارد که چه بلایی بر سر موسیقی کشور می آید؛ افرادی که با پر و بال دادن به این سبک های موسیقی، هنرمندان ایرانی را با مشکلات زیادی مواجه کرده اند. دولت اگر می تواند کمک کند هرچه زودتر باید وارد میدان شود، اگر هم نمی تواند کار را به خیرین واگذار کند تا بالاخره یک کسی کار را سامان دهد تا اساتیدی که موی خود را در این راه سفید کرده اند یک مقدار از این شرایط ناگوار خارج شوند.

سخن پایانی...

به اعتقاد اغلب کارشناسان باتوجه به شرایطی که در پی شیوع ویروس کرونا در کشور رقم خورده، به نظر می رسد بهانه خوبی برای از سرگیری طرح ساماندهی شرایط معیشتی اساتید و هنرمندان موسیقی نواحی ایجاد شده باشد. کرونا آسیب های بسیار زیادی به بدنه اقتصادی و معیشتی خانوار ایرانی وارد کرده که ممکن است سال ها برای جبران این لطمات زمان نیاز باشد، اما از طرفی هم اگر هوشمندانه عمل کنیم خواهیم توانست کرونا و محدودیت های ناشی از آن را به فرصتی برای بازسازی زیربنای معیشتی این هنرمندان مهجور تبدیل کنیم. اغلب صاحب نظران این حوزه بر این باورند که اگر دولت بتواند کمک های خیرین را هم به صورت سازماندهی شده و با نظارت نهادهای مربوطه برای کمک به اساتید و پیشکسوتان موسیقی نواحی کانالیزه کند، با توجه به کوچک بودن خانواده موسیقی بومی ایران، کار سختی در پیش خواهد داشت.



مایحتاج ابتدایی زندگی خود با مشکل مواجه است و هم در بخش درمان با این هزینه های سرسام آور احتیاج به کمک دارد. متأسفانه بارها دیده ایم که برخی از اساتید به دلیل عدم تمکن مالی برای پرداخت هزینه های بیمارستانی، درمان نشده و فوت کرده اند. هیچ کس هم به این اساتید که گنجینه های فرهنگی کشور هستند توجهی نمی کند و اصلا برای کسی مهم هم نیست.

این استاد دانشگاه به **سروش** گفت: همه چیز را نمی توان در رسانه جا رز دا؛ برخی هنرمندان موسیقی نواحی در زندگی خصوصی خود مشکلاتی دارند که نمی توان بیان شان کرد. مگر این که برخی از این هستند؟ مسئولان ارشاد و هنری استان ها باید نسبت به حل مشکلات معیشتی این اساتید اقدام و گزارش از زندگی آنها برای ارائه به مراجع بالاتر تهیه کنند، اما شاهدیم که یک جوبی تفاوتی وجود دارد و این دسته از هنرمندان اصلا برای هیچ کس مهم نیستند. ظاهراً ادارات توقع دارند این اساتید از روستاها بروند به ادارات و خودشان را معرفی کنند، در حالی که برخی از این عزیزان حتی هزینه رفت و آمد به شهر را هم ندارند و بعضی های دیگر نیز مشکلات جسمی و حرکتی دارند.

جایوبه با انتقاد از عملکرد ادارات ارشاد استان ها عنوان کرد: نمی توان گفت وزیر ارشاد مقصر است. وقتی مجموعه مدیران و مسئولان استان هانی توانند مشکلات زندگی هنرمندان را به مراجع گزارش کنند دیگر نمی توان انتظار داشت تمامی اقدشار بتوانند خود را با خیر باشد. خود وزیر که نمی تواند خانه به خانه برود و گزارش تهیه کند. وزارت ارشاد به کارمندان ادارات